

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: نادر ثانی

۱۹ جولای ۲۰۲۴

جانانان کوک: چرا وظیفه رسانه‌های خبری تزئین خبرهاست.

تعداد زیادی از فلسطینی و اوکراینی در حملات راکتی به فاصله چند روز کشته شدند. برخورد متفاوت رسانه‌ها با این رویدادهای مشابه، سرنخی است برای فهم این که چه وظیفه‌ای برآستی به عهده رسانه‌ها گذاشته شده است.



زمانی که تنها چیزی که باید برای درک رابطه خود با رسانه‌های خبری به آن تکیه کنیم، ارزیابی خودخوانده رسانه از نقش خود است، شاید تعجب‌آور نباشد که بسیاری از ما «مطبوعات آزاد» غرب را نیروئی برای امری مثبت تصور کنیم: بستر دموکراسی، سنگ محک تمدن برتر غربی.

آرمان‌گرایان در میان ما رسانه‌های خبری را چیزی شبیه به خدمات عمومی می‌دانند. بدبین‌ترهای ما آن‌را به عنوان یک بازار رقابتی در اطلاعات و تفسیر می‌دانیم، بازاری که در آن رؤس زشت مطالب مورد بحث روز نشان داده می‌شود اما در نهایت، گویا حقیقت غالب است.

هر دو دیدگاه خیالی است. واقعیت بسیار زشت‌تر از این‌هاست – و من به عنوان فردی صحبت می‌کنم که سال‌ها در اتاق‌های خبری روزنامه‌های "گاردین" و "آبزرور"، که در اذهان عمومی به عنوان مترقی‌ترین روزنامه‌های غرب شناخته می‌شوند، کار کرده‌ام.

ما به عنوان خواننده، آنطور که تصور می‌کنیم، اخبار را «مصرف» نمی‌کنیم. بلکه اخبار ما را می‌بلعند. یا به عبارت دیگر، رسانه‌ها از اخبار برای اصلاح ما، مخاطبان خود، استفاده می‌کنند. اگر واقعیت موجود بدرستی درک شود، این

رابطه یک رابطه بین آزاردهنده و مورد آزار است. شاید به نظر می‌رسد که آنچه می‌گوییم آیا چیزی جز نظریه توطئه پارانوئیدی است؟

در واقع، چنین استدلالی سال‌ها پیش - به شکلی آکادمیک‌تر - در کتاب "رضایت تولید" نوشته "نوام چامسکی" و "اد هرمان" مطرح شد. اگر تا به حال نام کتاب را نشنیده‌اید، ممکن است دلیلی وجود داشته باشد. رسانه‌ها نمی‌خواهند شما آن را بخوانید.

زمانی که من در روزنامه گاردین کار می‌کردم، هیچ چهره‌ای به اندازه "نوام چامسکی" در اتاق خبر مورد اهانت سردبیران ارشد نبود. به عنوان روزنامه‌نگاران جوان، نسبت به خواندن آن به ما اخطار دادند. اگر شروع به تفکر عمیق‌تر در مورد نقش رسانه‌ها کنیم، یا شروع به آزمایش محدودیت‌های آنچه می‌توانیم گزارش کنیم و آن را به زبان بیاوریم، چه واکنشی نشان می‌دهیم؟

مدل تبلیغاتی چامسکی و هرمان به تفصیل توضیح می‌دهد که چگونه مردم غربی تحت آزادی توسط رسانه‌ای که توسط منافع پنهان شرکت‌ها و دولتی هدایت می‌شوند، «شست و شوی مغزی می‌شوند». این جمعیتی را می‌توان تنها به این دلیل پنهان کرد که رسانه‌ها تصمیم می‌گیرند که چه چیزی به عنوان خبر محسوب می‌شود و چه امری چهارچوبی برای نحوه درک ما از رویدادها را تشکیل می‌دهد.

ابزار اصلی آن، هدایت نادرست و حذف - و در افراط، فریب آشکار است.

<https://youtu.be/34LGPIXvU5M>

اردوگاه‌های قبیله‌نی

مدل تبلیغاتی از این اصل حرکت می‌کند که رقابت در رسانه‌های خبری مجاز است؛ اما تنها از نوع باریک و سطحی آن، و این خود به معنای تقسیم مفیدتر رسانه‌ها به اردوگاه‌های قبیله‌نی و ایدئولوژیک - که به عنوان چپ و راست تعریف می‌شوند می‌باشد.

این اردوگاه‌ها وجود دارند تا ما را در تصور این که از ایده‌های متعددی لذت می‌بریم، مسؤول پاسخگویی به رویدادها هستیم، دولت‌ها را انتخاب می‌کنیم، نگه‌دارند - و این تصور درست به آن شکل عمل می‌کند که ما از انتخاب بین تماشای بی‌بی‌سی و یا فاکس‌نیوز لذت می‌بریم.

اما انتخاب ما به سوی یکی از اردوگاه‌های اپوزیسیون واقعاً یک انتخاب نیست. اردوگاه‌ها برای این وجود دارند که ما را از هم جدا نگه دارند، بنابراین می‌توان ما را راحت‌تر تحت کنترل و اعمال نفوذ قرار داد. آنها وجود دارند تا این واقعیت ریشه‌ئی‌تر را از ما پنهان کنند که رسانه‌های دولتی-شرکتی بازوی روابط عمومی نهادهائی هستند که خواهان آن هستند که ما ضعیف‌تر باشیم.

نیروگاه غربی باید برای زنده ماندن دو نوع تأیید عمومی مرتبط را مهندسی کند:

- اول، ما باید با این ایده موافقت کنیم که غرب حتی به قیمت ارتکاب جنایات وحشتناک هم حق مسلمی برای کنترل منابع زمین دارد؛ حتی در برابر بقیه بشریت، مانند نسل‌کشی فعلی در غزه و هم در برابر سایر پدیده‌ها، به عنوان نمونه ما در پی رشد اقتصادی ناممکن و بی‌پایان در یک سیاره محدود، جهان طبیعی را ویران می‌کنیم.

- دوم، ما باید با این ایده موافقت کنیم که ثروتمندترین و قدرتمندترین نخبگان در غرب حق مسلمی دارند که بیشتر سود حاصل از این تجاوز صنعتی شده به تنها خانه ما - یعنی کره زمین - را از بین ببرند.
- رسانه ها بندرت این سیستم هدردهنده و طماع را شناسائی و افشاء می‌کنند، بناءً این امر عادی شده است. اما اگر نامی به آن داده شود، سرمایه‌داری نامیده می‌شود. این سیستم تنها زمانی از سایه بیرون می‌آید که رسانه‌ها نیاز به مقابله و تمسخر کاریکاتور رقیب ایدئولوژیک اصلی خود، سوسیالیسم، داشته باشند.

غرق در تبلیغات

رسانه‌های خبری در به وجود آوردن این تصور که سیستم استخراج منابع - تا حد خودکشی - که برای هر چه بیشتر ثروتمند کردن تعداد کمی از میلیاردرها طراحی شده است، برای مخاطبان شان کاملاً عادی به نظر رسد، بسیار موفق بوده‌اند. به همین دلیل است که همین میلیاردرها به همان اندازه که صاحب سیاستمداران هستند، مشتاق مالکیت رسانه‌های خبری می‌باشند. در واقع، آن که مالکیت رسانه‌ها را به دست آورد صاحب طبقه حاکم سیاسی نیز خواهد بود. بدینگونه با یک تیر دو نشان زده می‌شود.

همانطور که "جرمی کوربین" چند سال پیش در بریتانیا متوجه شد، هیچ سیاستمداری اجازه ندارد در مورد منافع کلیدی دولتی-شرکتی یا رسانه‌هایی که این منافع را پنهان می‌کنند، افشاگری نماید.

من در ۱۵ سال گذشته (یا بیشتر از آن) تلاش کرده‌ام تا ماهیت واقعی رابطه‌مان با رسانه‌ها - آرایش‌ساز و آراسته - را برای خوانندگان برجسته کنم. با توجه به این که چقدر تمامی ما عمیقاً در تبلیغات غوطه‌ور هستیم، صحبت در مورد چنین رابطه‌ای - صرفاً به صورت انتزاعی - احتمالاً تعداد کمی را متقاعد کند.

درک این که چگونه رسانه‌ها وظیفه تغییر واقعیات و به دست آوردن طعمه‌های روزمره خود را انجام می‌دهند، مسأله حذفیات آنان، فریب‌ها و جهت‌گیری‌های نادرست آنان، کلید شروع فرآیند آزادسازی ذهن ما می‌باشد. اگر به عنوان نمونه به رسانه‌های دولتی-شرکتی برای کسب اطلاعات و راهنمایی نگاه کنید - رسانه‌هایی که در حال حاضر در چنگال آنان هستید - در حال حاضر چیزی جز یک قربانی نیستید - قربانی جهل خفه‌کننده خود، قربانی خودخوابکاری خود، و قربانی آرزوی مرگ خود.

من صدها هزار کلمه در مورد این موضوع، همانند سایت لنز رسانه‌ای، صرف کرده‌ام. می‌توانید چند نمونه اخیر مرا را در پیوندهای زیر بخوانید و یا به سایت لنز رسانه‌ای مراجعه نمایید:

<https://jonathancook.substack.com/p/it-was-the-media-led-by-the-guardian>

<https://jonathancook.substack.com/p/how-the-media-allowed-a-single-comma>

<https://jonathancook.substack.com/p/why-the-media-have-failed-gaza>

<https://www.medialens.org/>

به همچنین می‌توانید به این سخنرانی من را در مورد این که چگونه به طور حرفه‌ای خود را از چنگال رسانه‌های شرکتی رها کردم و به عنوان یک روزنامه‌نگار مستقل به آزادی رسیدم، توجه مبذول دارید:

https://youtu.be/YOfLsj_qh4w

روایات مختلف

اما بندرت نمونه‌هایی از تبلیغات آشکار از «مطبوعات آزاد» خود داریم، نمونه‌هایی که برای خوانندگان دشوار است متوجه آنها نشوند. این هفته رسانه‌های ما کار من را کمی آسان کردند. در طی چند روز گذشته، رسانه‌ها دو رویداد

کاملاً مشابه را به شکلی گزارش کرده‌اند که به روش‌های کاملاً متفاوتی صورت گرفته‌اند. روش‌هایی که به وضوح در خدمت منافع دولتی-شرکتی صاحبان آنها هستند.

اولین رویداد اینگونه، حمله هوایی اسرائیل در شنبه گذشته به مدرسه‌ای در غزه بود، جایی که غیرنظامیان فلسطینی، از جمله کودکان، ماه‌ها در مقابل ارتش خشن اسرائیلی که ده‌ها هزار فلسطینی را سلاخی کرده و بسیاری از خانه‌های غزه را ویران کرده، پناه گرفته بودند. از یاد نبریم که میزان بسیار بالای مرگ و ویرانی در غزه، دادگاه جهانی را مجبور کرده است که اسرائیل را به اتهام نسل‌کشی محاکمه کند - چیزی که شما به دلیل پوشش رسانه‌ها خبر زیادی از آن ندارید. پرونده اتهام نسل‌کشی علیه اسرائیل تا حد زیادی در حفره حافظه‌ای که برای ما ایجاد شده، ناپدید شده است.

رویداد دوم مربوط به روز دوشنبه ۸ جولای و حمله هوایی روسیه به بیمارستانی در کیف می‌باشد، حمله‌ای که بخشی از موج حملات روسیه به اهداف اوکراینی در آن روز بود که ۳۶ اوکراینی را کشت.

توجه داشته باشید که در یک روز معمولی در غزه، به طور متوسط حداقل ۱۵۰ فلسطینی توسط اسرائیل کشته می‌شوند. نه ماه است که این کشتار روز به روز اتفاق می‌افتد و تعداد تلفات تقریباً به طور قطع خیلی کمتر برآورد شده است. در غزه تخریب‌شده، خلاف اوکراین، مقامات مدت‌ها پیش توانایی شمارش کشته‌های خود را از دست دادند. همچنین توجه داشته باشیم که علی‌رغم کشته‌شدن روزانه تعداد زیادی از زنان و کودکان فلسطینی توسط راکت‌های اسرائیلی، رسانه‌های خبری تا حد زیادی از ماه‌ها پیش پوشش قتل‌عام غزه را متوقف کردند. اخبار عصر اصلی بی.بی.سی. بندرت چنین چیزی را گزارش می‌کند.

تنها این واقعیت که کشته شدن ۳۶ غیرنظامی اوکراینی، در جنگی که بیش از دو سال از عمرش می‌گذرد، توجه و نگرانی رسانه‌های غربی را به خود جلب کرد در حالی که آمار تلفات روزانه غیرنظامیان فلسطینی در غزه بسیار بیشتر است به طور مستقیم به ما کمک می‌کند که اندکی به نقش رسانه‌ها واقف گردیم.

اما قابل‌اعتمادترین و مترقی‌ترین رسانه‌های ما این رویدادهای مشابه را در غزه و اوکراین چگونه گزارش کردند؟ تیترهای خیری این رسانه‌ها تا حد زیادی ما را در جریان کارکرد آنان می‌گذارند.

بی‌بی‌سی با الگویی کاملاً آشنا از پشت بام‌ها فریاد زد: "دست‌کم ۲۰ کشته پس از حمله راکتی "عظیم" روسیه به شهرهای اوکراین". این رسانه کشور روسیه را مسئول کشتار اوکراینی‌ها معرفی کرد و این کار را حتی زمانی انجام داد که هنوز بحث‌هایی در مورد این که آیا راکت‌های روسیه یا راکت‌های پدافند هوایی اوکراین باعث این تخریب شده‌اند وجود داشت.



در همین حال، بی.بی.سی. با دقت بسیار از شناساندن اسرائیل به عنوان طرفی که کسانی را در غزه که در برابر بمب‌های آن پناه گرفته بودند، به قتل رساند، پرهیز نمود. این امر حتی با این وجود که اسرائیل از مدت‌ها پیش از تظاهر

به این که راکت‌های ضعیف فلسطینی می‌توانند خسارت‌هایی در چنین مقیاسی ایجاد کنند، دست برداشته است. در این تیتر بی. بی. سی. اینگونه آمده بود: «حمله هوایی به مدرسه غزه دست کم ۱۳ کشته برجای گذاشت.»



Air strike on Gaza school kills at least 13 people



From bbc.com

6:03 PM · Jul 6, 2024 · 8.8M Views

عناوین روزنامه گاردین آشکارتر از این بود. این روزنامه حداقل اسرائیل را مسؤول این قتل معرفی کرد: مقامات فلسطینی می‌گویند: «حمله اسرائیل به مدرسه غزه ۱۶ کشته برجای گذاشت.» با این حال، زبان خشک و بی‌احساس آن درباره کشته‌های فلسطینی، این تصور را که این مرگ‌ها تنها می‌توانند یک ادعا بوده باشند و انتساب آن ادعا به «مقامات فلسطینی» (با این مفهوم که اکنون به طور گسترده پذیرفته شده است که آن مقامات نمی‌توانند قابل اعتماد باشند) برای هدایت واکنش احساسی خوانندگان بوده است. خوانندگان این خبر سرد و بی‌تفاوت باقی می‌ماندند. چهارچوب مشخص بود: این تنها یک روز معمولی دیگر در غزه بود. نیازی به سرمایه‌گذاری بیش از حد در بیان رنج فلسطینی‌ها نیست.

Israeli strike on Gaza school kills 16, say Palestinian officials

Another 50 injured taken to hospital from the Unrwa-run Al-Jawni school in Nuseirat, central Gaza



و اما همین روزنامه گاردین با لحن کاملاً متفاوتی نسبت به سرتیترهای متداول خود در مورد حمله به اوکراین در صفحه اول نوشت (عکس زیر):

«حرفی برای بیان این وجود ندارد.» وحشت در مورد بمباران روسیه در بیمارستان کودکان کنیف بر.»

در نوشته زیر تصویر آمده است:

«شاهدان پس از حمله راکتی مرگبار به بزرگترین کلینیک کودکان اوکراین ابراز شوک و انزجار می‌کنند.»
اینجا تأکید بر "وحشت"، "شوکه"، "انزجار" است. به ما گفته می‌شود که «هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند وحشیگری این قساوت را بیان کند. تأکید تیتیر بر هدف قرار دادن "کودکان" با "راکت مرگبار" است.

'No words for this': horror over Russian bombing of Kyiv children's hospital



Rescuers, volunteers and medical workers search for survivors after a Russian missile attack on Ukraine's largest paediatric clinic

Witnesses express shock and revulsion after deadly missile strike on Ukraine's largest paediatric clinic

البته همه اینها را می‌توان به یکسان در مورد وحشت حمله اسرائیل به کودکان فلسطینی هر روز و هر روز گفت. اما، البته، اینطور نیست.

خوانندگان در نوسانی دانمی

اگر نمونه بالا به اندازه کافی قانع کننده نیست، نمونه دیگری از رفتار گاردین (در زیر) با رویدادهای مشابه در غزه و اوکراین را در نظر بگیرید. این نمونه بیانگر آن است که این روزنامه تخریب بزرگترین بیمارستان غزه توسط اسرائیل در ماه نومبر - زمانی که چنین اقدامی مانند اکنون به امری عادی تبدیل نشده بود - و کشته شدن تعداد بسیاری از غیرنظامیان در بیمارستان غزه (بسیار بیشتر از کشتار روسیه در اوکراین) را چگونه گزارش داد.
این تیتیر به صورت بالینی است: «ارتش اسرائیل می‌گوید در عملیات «هدفمند» علیه حماس وارد بیمارستان الشفاء غزه شده است.»

گاردین به آسانی عبارت ارتش اسرائیل را تکرار می‌کند و به قتل‌عام در بیمارستان الشفاء به عنوان یک «عملیات هدفمند» مشروعیت می‌بخشد. این واقعیت که بیماران و پرسنل پزشکی قربانیان اصلی بودند با تکرار ادعای اسرائیل

مبنی بر اینکه حماس را هدف قرار داده بود توسط گاردین روپوشانی می‌شود - همانطور که ظاهراً تخریب عمدی غزه توسط اسرائیل برای "از بین بردن حماس" بوده است. ظاهراً هیچ "وحشت"، "شوک" یا "انزجار" در گاردین از تخریب و کشتار در بزرگترین بیمارستان غزه وجود ندارد. چنین احساساتی برای اوکراین محفوظ است.



همانطور که آلن مکلنود در "اکس" (تویتر سابق) اشاره کرده است، همان تفاوت‌ها در رسانه‌های «لیبرال» ایالات متحده آمریکا خودنمایی کرده‌اند. یک روز پس از حمله روسیه به اوکراین، اسرائیل به پناهگاه مدرسه دیگری در غزه حمله کرد. نیویورک تایمز با اعلام این خبر روشن کرد که خوانندگان آن قرار است چه حس متفاوتی در مورد این رویدادهای مشابه داشته باشند.

The New York Times

attack on Gaza
 Israel-Hamas War → Updates What We Saw in Rafah Israeli Generals Want

The Latest Updated July 9, 2024, 5:10 p.m. ET

Middle East Crisis *passive voice*
At Least 25 Reported Killed in Strike on School Building in Southern Gaza
Who did it? No attacker identified

نیتر نیویورک تایمز در این مورد:

"حداقل ۲۵ نفر در حمله به ساختمان مدرسه در جنوب غزه کشته شدند."

به شکل به کار بردن واژه‌ها - منفعل و نامطمئن توجه نمائید - در نهایت بنا به آنچه نیویورک تایمز به ما عرضه می‌کند، این تنها یک گزارش نامطمئن است. همچنین توجه داشته باشید که در این گزارش عامل جنایت - یعنی اسرائیل - ناشناس باقی مانده است.

و اما گزارش همین رسانه در مورد اوکراین چگونه بود؟

The screenshot shows the New York Times website interface. At the top, there is a navigation bar with 'Russia-Ukraine War >', 'The Latest', 'Photos', and 'Killings of Unarmed Russians'. Below this, the main headline is 'Russia Strikes Children's Hospital in Deadly Barrage Across Ukraine'. The sub-headline reads: 'President Volodymyr Zelensky said Russia launched at least 40 missiles at targets across Ukraine, including the country's largest children's hospital.' Three red arrows point to specific parts of the headline and sub-headline with labels: 'Perpetrator identified' points to 'Russia', 'active voice used' points to 'Russia launched', and 'emotive language' points to 'Deadly Barrage'.

تیتر نیویورک تایمز در این مورد:

روسیه بیمارستان کودکان در اوکراین را به صورت مرگبار بمباران کرد.

در اینجا، روسیه به وضوح به عنوان مجرم شناخته می‌شود، واژه‌هایی فعال استفاده شده تا جنایت آن را توصیف کند، و بار دیگر از واژه توصیف کننده احساسی "کشنده" یا "مرگبار" استفاده شده که به آسانی می‌تواند خوانندگان را به سمت واکنش عاطفی سوق دهند.

عناوین و عکس‌ها بخشی از داستانی هستند که تقریباً هر خواننده‌ای می‌بیند. به همین دلیل است که نقش آنها در قالب دادن به درک ما از رویدادها بسیار مهم می‌باشند. آنها ابزار اصلی رسانه‌های مکتوب برای تبلیغ روی ما هستند.

اولویت‌های واژگون

رسانه‌های پخش خبر مانند بی. بی. سی. در دستکاری پاسخ‌های ما کمی متفاوت عمل می‌کنند. اجرای دستورات - روشی که این کانال برای نشان دادن اولویت‌های خبری خود به کار می‌برد - و همچنین واکنش‌های احساسی مجریان و خبرنگاران مهم است. تنها به شیوه‌ای فکر کنید که استیو روزنبرگ، خبرنگار بی. بی. سی. در مسکو، هر بار که نام ولادیمیر پوتین را به کار می‌برد، تقریباً نفسش بالا نمی‌آید، یا به این توجه نمائید که او چگونه تلاش می‌کند هر یک از اظهارات رئیس‌جمهور روسیه را با استهزاء، سرکوب کند. سپس به این امر فکر کنید که آیا خبرنگاری در بی. بی. سی. اجازه دارد با نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاو، چه رسد به رهبر بریتانیا، سیر، کیر استارمر، همین کار را انجام دهد.

یکی دیگر از راه‌هایی که رسانه‌ها ما را بر آن می‌دارند که تنها به برخی از رویدادها توجه کنیم و نه به رویدادهای دیگر، طرح مسایل افراد عادی و تمرکز روی آنچه روایات "دلبستگی‌های انسان" (به مثابه یک فرد) خوانده می‌شود، و طرح مشکلات و تمرکز روی رنج‌های فردی به جای صحبت در مورد عموم است.

به عنوان مثال، اخبار عصر بی. بی. سی. تا حد زیادی گزارش درد و رنج مردم غزه را متوقف کرده است. و زمانی که این کار به انجام می‌رسد، گزارش‌ها به‌طور مختصر و دیرتر در ترتیب قرار گرفتن آن در برنامه رخ می‌دهند و معمولاً کمی بیشتر از حقایق خشک را پوشش می‌دهند. داستان‌های مربوط به احساسات و علایق انسان‌ها بسیار نادر شده است.

بی. بی. سی. دو بار در اخبار ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه ۹ جولای این روند را زیر پا گذاشت - در این زمان اسرائیل دو بار مدارس را هدف آتشبار خود قرار داد که قرار بود به فلسطینی‌هایی که پیش از این توسط بمب‌های اسرائیلی از خانه‌هایشان رانده شده بودند، سرپناه ارائه کنند.

آیا بی. بی. سی. چیزی درباره داستان قربانیان آن حملات هوایی گفت؟ نه. آن حملات کمترین پوشش را دریافت کردند. اولین داستان مربوط به علایق انسانی در باره یک مادر اوکراینی بود که در پی حمله روز قبل به بیمارستان کنیف با سراسیمگی در جست و جوی فرزندش بود.

دومین داستان با علایق انسان، داستانی از غزه، به هیچ یک از قربانیان حملات اسرائیل به پناهگاه‌های مدارس مربوط نبود. در عوض با طول و تفسیر بر یک مرد فلسطینی متمرکز شد که در غزه به دلیل مخالفت با حکومت حماس مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.

به عبارت دیگر، بی. بی. سی. نه تنها خبر مرگ یک روزه اوکراینی‌ها را بسیار مهم‌تر از کشتن ۲۹ غیرنظامی فلسطینی در آن روز توسط اسرائیل می‌دانست، بلکه برای این رسانه ضرب و شتم یک مرد توسط حماس نیز اولویت خبری بزرگتری داشت.

زمانی ما تشویق می‌شویم به فلسطینی‌ها اهمیت بدهیم، که فلسطینی‌ها به دلایلی مورد خشونت فلسطینی‌های دیگر قرار می‌گیرند، نه زمانی که میلیون‌ها فلسطینی توسط اشغالگرشان، اسرائیل، در زندان‌های گتوی آنها مورد خشونت قرار می‌گیرند.

الگوی این انحراف اولویت‌های خبری - چهارچوب‌بندی تحریف‌شده دائمی رویدادها - سرنخی است که نشان می‌دهد ما چگونه باید آنچه را که رسانه در تلاش برای دستیابی به آن است و برای رسیدن به آن چه کاری انجام دهد را رمزگشایی کنیم.

پوشش خبری بی. بی. سی. به نظر می‌رسد که این رسانه در بیشتر موارد از هر فرصتی برای برجسته کردن خشونت روسیه، مطابق با اهداف سیاست خارجی بریتانیا، استفاده می‌کند. به همین ترتیب، به نظر می‌رسد که بی. بی. سی. در بیشتر موارد بهانه‌هایی را مهندسی می‌کند تا خشونت اسرائیل را نادیده بگیرد یا کم‌اهمیت جلوه دهد، که البته این هم باز منطبق با اهداف سیاست خارجی بریتانیا است.

اوکراین برای غرب در مبارزه اش جهت «تسلط کامل طیف» جهانی میدان اصلی نبرد می‌باشد، ستراتیژی مرکزی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر این مبنا قرار گرفته است که هیچ قدرت بزرگ دیگری مانند روسیه و چین نتواند کنترل آن را بر کره زمین زیر سؤال ببرد. ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی‌اش برای پیروزی در این نبرد آماده هستند تا با خطر یک جنگ هسته‌ای کاملاً غیرضروری مواجه شوند که به نظرشان در آن پیروز خواهند شد.

در همین حال، اسرائیل، کشوری، که دژ استعماری است، کشوری که توسط غرب در خاورمیانه نفتخیز مستقر شده، متحد بسیار مهمی در تحقق تسلط ایالات متحده آمریکا بر منطقه به شمار می‌آید. در این میان فلسطینی‌ها همانند مگسانی هستند که می‌توانند با بی‌تفاوتی و مصونیت کامل برای کشتارگران خود از بین بروند.

با شناخت از این چهارچوب، ما می‌توانیم درک کنیم که چرا بی.بی.سی. و سایر رسانه‌ها به طور سیستماتیک از انجام وظایف تعریف شده خود در مورد گزارش‌دهی بی‌طرفانه و غیرمغرضانه باز می‌مانند، و چرا قادر به بررسی دقیق و پاسخگویی قدرت - مگر این که قدرت یک دشمن رسمی باشد - نیستند.

حقیقت این است که بی‌بی‌سی، گاردین و بقیه اینگونه رسانه‌ها چیزی بیش از مجری تبلیغات دولتی-شرکتی نیستند که اینگونه در قالب رسانه‌های خبری ظاهر شده‌اند.

تا زمانی که ما این واقعیت را درک نکنیم، آنها به آرایش کردن ما و افکارمان ادامه خواهند داد.

۱۰ جولای ۲۰۲۴ برابر با ۲۰ تیرماه- سرطان- ۲۰۲۴